

ضرب المثل ہی فارسی - سندی

(شامل تشبیل ہی فارسی)

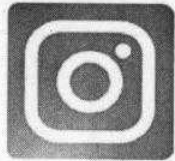


موسسہ اشاعت دکر اندیشہ

سرشناسه: عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۲۷ -
 عنوان: ضرب المثل های فارسی - سوئدی: (شامل تمثیل های فارسی)
 مشخصات نشر: تهران: نشر دگراندیشان، ۱۳۹۶
 مشخصات اهرن: ۳۱۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۰-۳-۹
 وضعیت فهرست نویسی: با
 یادداشت: کتابخانه
 موضوع: ضرب المثل های فارسی
 موضوع: Proverbs, Persian
 موضوع: ضرب المثل های سوئدی
 موضوع: Proverbs, Swedish
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴ ض ۲ ع ۳۹۹۶ PII
 رده بندی دیویی: ۳۹۸/۹۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۹۹۰۶



[telegram.me/degarandishanpublication](https://t.me/degarandishanpublication)



[instagram.com/degarandishanpublication](https://www.instagram.com/degarandishanpublication)



twitter.com/degarandishanpublication

www.degarandishan.com

ناشر: موسسه انتشارات دگرانديشان

تهران: صندوق پستی ۵۷۱/۵۷۵

ضرب‌المثل‌های فارسی - سوئدی (شامل تمثیل‌های فارسی)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کهن

تایپ و ویراستاری: مروارید عابدیان کاسگری

فهرست مندرجات

صفحات	عنوان
الف - ض	فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی
۱ ~ ۱۰	مقدمه
۱۱ ~ ۲۴۶	ضرب‌المثل - ای فارسی - سوئدی
۲۴۹ ~ ۲۵۵	منابع فارسی
۲۵۷ ~ ۲۶۱	منابع غیر فارسی

مقدمه

باورهای مردمی مجموعه‌ای از میانی رفتاری توده‌های مردم هستند که پیچیدگی و ابهام نداشته و عموماً راهنمایی‌هایی برای تبیین باورها تلقی می‌شوند که به ساده‌ترین شکل بیان شده و به صورت کلی امثال و حکم نامیده می‌شوند. خصلت ذاتی ادبیات عامه موجب می‌شود که امثال و حکم به دلیل انطباق با دریافت عمومی به ادبیات نفوذ کرده و رایج شوند، در غالب اوقات مبدع و منشأ امثال و حکم از حوزه توجه خارج شده اما اصل مطلب در اذهان باقی مانده و حداقل به صورت انشادی به زندگی خود در ادبیات عامه ادامه داده است. فرهیختگان جامعه پارسی‌گوی نیز به مدد صنایع مختلف نثر مسح و نظم، سیاهه طولایی از حکمت‌های تجربی توده‌ها را در قالب جملات اندرزی^۱، تشبیهات^۲، اصطلاحات و عبارات کنایی^۳ و گونه‌های دیگر همانند تلمیحات به پیکره ادبیات عمومی زبان فارسی افزوده‌اند.

امثال و حکم

این این مثل که بگفتم ترا نکو مثلی ست

مثل بسنده بود هوشیار مردان را (ناصرخسرو)

امثال و حکم یکی از مراح و ارکان معتبر ادبیات هر زبان و یکی از کهن‌ترین اشکال ادبی است. عبارات کوتاه امثال و حکم، بازتاب فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی توده‌ها به شمار رفته و حکایت از تجارب طولانی مردم دارند و در هر قالبی اعم از هزل و طنز و انتقاد واقعیات رفتار اجتماعی، شیوه زیست و عقاید و رسوم سخنوران محدوده زبانی را بیان نموده و کاربر زبان را از به‌کار بستن تعارضات و احتجاجات نارسا و فرسایشی رهاکننده و سخن سخت را به پیامی فصیح بدن می‌نمایند. امثال، جمع مثل و مثل در زبان عربی به معانی هم‌تا و مانند، برهان و دلیل، مطلق سخن و پند و عبرت به‌کار رفته است (ناج‌العروس، ذیل مثل). مثل‌ها ریشه در حکایات کهن دارند و در قالب‌های متفاوتی به‌کار می‌روند. گذشتگان فارسی‌زبان مثل را یکی از اقسام زیست چهارگانه ادب می‌شمردند و با استفاده از صنایع گوناگون، ارسال مثل را در ادبیات به‌کار بسته و با استفاده از ارسال مثل و مطالب حکیمانه به آرایش کلام و تقویت بنیه سخن پرداخته و بر مدعای سخن شاهی می‌آوردند^۴. ابوعبید قاسم بن سلام، در سده سوم قمری، مثل

^۱ اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست

^۲ مثل طبل تهی

^۳ رفت ابروش را درست کند چشمش را کور کرد

^۴ «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در بروراندن مقصود و جلب

را همان سخنان پندآمیز اعراب عصر جاهلیت دانسته که مقصود را به واسطه کنایه ادا می کرده‌اند. وی ضرب‌المثل را دارای سه ویژگی اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه می‌داند (سیوطی، المزهَر، ۴۸۶/۱). بهمنیار معنی اصطلاحی مثل را اینگونه تعریف کرده است: جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ، روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در موارد مشابه به کار می‌برند (بهمنیار، ۵۲). حکم، جمع حکمت، در زبان عربی به معانی کلام سازگار با حقیقت، کار صحیح، عدالت، علم و بردباری به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل حکم)، حکمت مجموعه رفتارهای اخلاقی و فرهنگی توده‌هاست و از خرد جمعی آنها سرچشمه می‌گیرد.

تاریخچه امثال و حکم

در زبان فارسی صناعت - نحوه، صنعتی مقوم و ریشه‌دار است، در مقدمه ابن خلدون می‌خوانیم: "و من الغرب بواقع ان حملة العلم في الملة الاسلاميه اكثرهم العجم ... فکان صاحب صناعت النحو سيبويه الفارسی من بعده والزجاج من بعدهما و کلهم عجم فی انسابهم ... و لم یقم بحفظ العلم و تدوین الا الا ... و ظهر مصداق قوله صلى الله عليه و سلم لو تعلق العلم باکناف السماء لنا له قوم من مل نرس" ممکن است برخی این خرده را بگیرند که منظور عبدالرحمن بن خلدون از عجم، مدعیان عرب است، اما نه تنها ابن خلدون به صناعت نحو سبویه اشاره دارد بلکه ابن خلدون که امروزه از واژه عجم مستفاد می‌شود در عصر ابن خلدون (سده هشتم قمری) رایج بوده است: "عجم، مطلق در زبان عربها ایرانیان بودند، چون زودتر از هر بیگانه‌ای با ایرانیها آشنا شدند. سپس که اقوام بیگانه را دیدند آنها را هم عجم می‌گفتند"^۵. داستان‌های کوتاه و سرور و منظوم در زبان فارسی پیشینه دیرینی دارند و یکی از شگفتی‌های ادب فارسی، آفرینش سخن ظریف در کمال ایجاز است که از عصر رودکی تا روزگار معاصر با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع زبان فارسی و به کمک ذوق فارسی‌سرایان در دفتر بی‌بدیل ادب فارسی نرسیده است. برخی از این حکایات در قالب ضرب‌المثل به زبان‌های دیگر وارد شده‌اند، فیلسوف مستشرق سده نوزدهم میلادی، رالف امرسون (R. W. Emerson) در پیشگفتار ترجمه^۶ گلستان سعدی نوشته است: "منشأ انبوهی از قصه‌ها و ضرب‌المثلهایی که در افواه ما

توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همای، ۱۳۶۷).

^۵ زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه غلی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.

^۶ برخی از ایران‌شناسان مانند آربری A. J. Arberry این ترجمه را مغشوش می‌دانند. آربری در اثر خود Classical Persian Literature نقد جامعی بر این ترجمه انگلیسی ارائه نموده است.

مردم (غرب) است و آن را به نویسندگان جدید نسبت می‌دهیم، از سعدی به ما رسیده است.^۷

توجه به تزئین کلام از دیر باز مورد عنایت ادیبان فارسی‌زبان بوده است و این فرهیختگان ارجمند آثار ارزشمندی با رعایت مراتب فصاحت و بلاغت آفریده‌اند. "ایرانیان از زمان قدیم، عنایتی به تزئین ظواهر کلام داشته‌اند و در مکاتیب و رسائل دیوانی و غیر دیوانی اسلوب فنی و سبک صناعی به کار می‌بردند و نثر را به اقوال حکما و مواعظ اخلاقی و دینی و اشعار و معنیات لطیفه موشح می‌ساختند و آن را به صورت قطعات ادبی، در کمال ظرافت و جمال درمی‌آوردند. در ترکیب کلمات و کیفیت تعبیرات، تناسب بین متکلم و مخاطب و کاتب و مکتوب الیه و سایر دقائق فنی را رعایت می‌کردند. در رسائل و مکاتیبی که بین عمال دولت و ملوک ساسانی و ملوک امرا و سباده می‌شد و نیز کتب ادبی زبان پهلوی و خطبه‌هایی که پادشاهان هنگام بر تخت نشستن بین می‌کردند میل به صنایع و محاسن لفظی و زیبایی کلام دیده می‌شود و این سبک در رسائل، بیش از خطب مراعات می‌شده است."^۸ با توجه به ریشه‌دار بودن سبک نثر و سابقه دیرینه به کار بستن ضرب‌المثل در زبان فارسی، ادیبان ایرانی از سده ششم قمری به گردآوری امثال روی آوردند. رشیدالدین وطواط نخستین ادیب ایرانی است که به آن کار همت گماشت و به درخواست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه به تألیف کتاب "نظایر الامثال و طرایف الاقوال" پرداخت. اما از آنجا که رشید وطواط علم امثال را از علوم عربی دانست، مجموعه‌ای از مثل‌های عربی را گرد آورد و به فارسی ترجمه کرد و سپس حکایت‌های فارسی مربوط به آن مثل‌ها را به آنها افزود. کتاب بعدی، "قره‌العین" یا "قره‌العیون" است که از مؤلفی ناشناس در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم قمری نوشته شده است. این کتاب نیز به ترتیب الفبایی حروف اول مثل‌ها تنظیم شده و دارای مقدمه و متن اصلی، شامل ۴ قسم و هر قسم در چند فصل و خاتمه است. قسم اول این کتاب از جهت اشتغال بر مثل‌های کهن و به کارگیری نثر شیوای فارسی، از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود.

در سده یازدهم قمری، محمدعلی هبله‌رودی در سال ۱۰۴۹ ق، در حیدرآباد هندوستان به تألیف کتاب مجمع‌الامثال به ترتیب حروف الفبایی و مشتمل بر دو هزار مثل فارسی پرداخت. هبله‌رودی در سال ۱۰۵۴ ق. کتاب دیگری نیز به نام جامع‌التمثیل یا مجمع‌التماثل را به ترتیب حروف تهجی تألیف نمود. همزمان با هبله‌رودی، فارسی‌زبان

^۷ خطیبی (۱۳۶۷).

دیگری در هندوستان به نام محمدصادق پسر محمدصالح صادقی اصفهانی فصل هشتم از باب سوم دانشنامه بزرگ خود به نام شاهد صادق را به مثل‌های فارسی اختصاص داد و حدود ۵۶۰ مثل فارسی را به ترتیب حروف تهجی گرد آورد. میرک محمد تاشکندی نقشبندی بغدادی نیز در سده یازدهم قمری مجموعه نوادرالامثال که مجموعه‌ای از مثل‌های فارسی با ترجمه ترکی است را به ترتیب حروف تهجی گردآوری نمود. کتاب "امثال" یا "مجمع‌الامثال" اثر میرزا محمد طاهر مشتمل بر ۱۲۰۰ مثل و ترکیب و مصراع، اثر دیگر مربوط به سده یازدهم قمری است.

در سده دوازدهم قمری کتاب "مجمع‌الامثال" اثر ابراهیم خالص بوزروفجه‌ای رومی است که مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی است. قدیمی‌ترین اثر دوران اخیر، کتاب "امثال" تألیف نویسنده‌ای ناشناس در عصر قاجار است، این کتاب شامل مثل‌های فارسی به ترتیب حروف الفباست و نخستین مجموعه‌ای است که مؤلف آن به گردآوری جمله‌های عامیانه رجه نشان داده است. در سده چهاردهم قمری نیز کتابی مشتمل بر ۵۰۰۰ ضرب‌المثل توسط آقا میرزا علی، نواده قائم‌مقام قراهنی تألیف شد. پس از وی، امیرقلی امینی ۱۰۰۱ سخن را در سال ۱۳۰۳ شمسی در برلین به چاپ رساند و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۵۳ شمسی در اصفهان در دو مجلد به زیور طبع آراست. یکی از مهم‌ترین آثار اخیر در زمینه جمع‌آوری امثال و حکم، مجموعه چهار جلدی امثال و حکم دهخدا شامل ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج میان فارسی‌زبانان است که در سال ۱۳۱۱ شمسی در تهران به چاپ رسید. عبارت "امثال و حکم" همت و پایمردی این رادمرد گرانقدر ادبیات معاصر را در ذهن متبادر می‌سازد و ارجمندی فارسی‌زبانان در گرامیداشت خادمان علم و فرهنگ را یادآور می‌شود. جامعیت مجموعه چهار جلدی امثال و حکم برخی از ضرب‌المثل‌ها را احیاء نمود. این مجموعه غنی دارای حدود ۳۰ هزار عنوان مثلی، حکمی، زبانزدی، اصطلاحی و کنایه‌ای است و افزون بر آن، ذیل بسیاری از عنوان‌ها نزدیک به ۱۰ هزار مثل، حکمت اصطلاح و کنایه، و نیز حدود ۱۲ هزار مورد مستند به شعر شاعران و یا نوشته نویسندگان مختلف آمده است. روش کیفی علامه دهخدا در تجميع تشبیهات عادی و سائره به سبک صاحب جامع‌الامثال^۸ و شیوه صاحب جامع‌التمثیل^۹ و همچنین بهره‌برداری از روش دبیری ابوالفضل بیهقی در توضیح برخی امثله، پایمردی علامه را به سبک‌های

^۸ ابوالفضل احمدبن محمد نیسابوری

^۹ محمدعلی هبلرودی

موجود در تاریخ ادبیات فارسی روشن می‌سازد. مطالب این اثر سترگ، دستمایه پایه‌ای و تراز اصلی در تدوین این کتاب در مطالعه قیاسی و انطباق با ضرب‌المثل‌های سوئدی است. فریدون بهمنیار دیگر ادیب فارسی‌زبان است که مجموعه‌ای از وی مشتمل بر ۶۰۴۷ مثل در سال ۱۳۶۱ شمسی تحت عنوان "داستان‌نامه بهمنیاری" به چاپ رسید. احمد شاملو از شعرای معاصر دیگر ادیب فارسی‌زبان است که در زمینه جمع‌آوری ضرب‌المثل اقدام نمود و از سال ۱۳۵۷ شمسی چاپ مجموعه وزین کتاب کوچه را آغاز کرد. امثال در کتاب کوچه، از دیدگاه فرهنگ عامه و بر اساس مدخل‌های نظم الفبایی خاستگاه‌ها و واژه‌های محوری تنظیم شده و در ۱۱ گروه کلی طبقه‌بندی گردیده است. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نیز اثر مهمی از مهدی یرتوی‌آملی است که به توضیح ریشه‌های برخی از ضرب‌المثل‌ها پرداخته است.

در مجموعه حاضر کوشش شده است که ضمن استفاده از متون معاصر به گنجینه گرانبهای متون ادبیات فارسی توجه بیشتری شود، متون کهنی که در رعایت سادگی زبان، سبکی سخن، انسجام کلام و بیان اندیشه نمونه‌های شایسته و بلاغت می‌باشند. آثار گرانبهای که تشبیهات آن، مملو از واژه‌های سنجیده و خوش‌آهنگ، تشبیهات زیبا و دلایر، ادوات دقیق و موزون، استعارات لطیف و دل‌انگیز، کنایات به‌جا و استوار، توصیفات بدیع و خیره‌رور، اشارات نغز و دلنشین و آرایه‌های لطیف و روح‌افزاست. پر واضح است که ادبیات فارسی یادگارهای پر ارجی برای فارسی‌زبانان و برای همه بشریت به میراث نهاده است. بر بنا بود که از هر یک از این یادگارها سطری نقل شود چند برابر این مجموعه فراهم می‌شود البته نمونه‌های انتخاب شده به مثابه مشتبی از خروار است بدیهی است که شاید بتوان نمونه‌های بهتری انتخاب کرد ولی مسلم است که هر انتخابی که به عمل می‌آید ناگزیر باید از نمونه‌های دیگر صرف‌نظر می‌شد. در انتخاب تمثیلات و قطعات، سعی شده بر مدی و سادگی و واحد آن‌هایی انتخاب شوند که همواری و تناسب بین ضرب‌المثل و ارسال‌مثل را از رعایت شده و از حیث نگارش به الزامات ادبی توجه داشته باشند. نکته دیگر آنکه هر چند پوشش شده تا از نقل نابایست نوشته‌ها دوری شود و به اصطلاح ادبا از اطناب اجتناب شود اما هر جا که تمثیل مترادفی در آثار دیگر به کار رفته، سعی شده به لحاظ رعایت امانت و همچنین امکان قیاس سبک‌های مختلف، نقل شوند. این شیوه خوانندگان را به مقایسه آثار نیز بر می‌انگیزاند. و اما درباره شعر، همگان اذعان دارند که گرایش فطری فارسی‌زبانان به شعر و بهره بردن از زبان شعر به لحاظ ایجاز و اختصار در کلام و تفهیم معانی بلند و جامع‌الاطراف بودن دارای ریشه عمیقی است و اشعار فارسی از این طریق

به ضرب‌المثل‌های فارسی راه یافته و قریب به اتفاق شعرای پارسی‌گوی در آثار ارزشمندشان از ضرب‌المثل استفاده نموده‌اند، اما با توجه به استدلال‌های تمثیلی به‌کار رفته در غالب اشعار و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی حضرت مولانا، مولف گرایش بیشتری به استفاده از آثار این بزرگوار داشته است. پر واضح است که با توجه به ارسال‌المثل‌های به‌کار رفته در دفاتر ششگانه مثنوی مولوی، برخی تمثیلات از فراموشی تاریخی رهایی یافته و میراث گرانبهایی برای فارسی‌زبانان رقم خورده است. بهره‌مندی حضرت مولانا از روش‌های نظیر استفاده از ضرب‌المثل، گواهی است بر اینکه نه تنها قوه عاقله مخاطبین مورد توجه ایشان قرار داشته بلکه عواطف و احساسات آنها نیز مورد نظر قرار داشته است، لذا در اشعار مخاطبان جهد بلیغ ورزیده و این کوشش مسئولانه و قرین به توفیق ایشان در امر سیرج و انتقال موضوع به مخاطبان در به‌کارگیری ضرب‌المثل در مثنوی مولوی کاملاً مشهود است.

نبدان آسمانست این کلام هر که زین بر می‌رود آید به بام

... سوئد کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره اسکاندیناوی واقع است. سوئد از غرب با کشور نروژ، از شمال شرق با کشور فنلاند، از شرق با خلیج بوتنی، از جنوب شرقی با دریای بالتیک، و از جنوب غربی با دانمارک همسایه است. سوئد از نظر طبیعی، از چهار ناحیه تشکیل شده، کوه‌های پوشیده از جنگل در منطقه نورلند در شمال، زمین‌های مرتفع یونکوپینگ در جنوب، دریاچه‌ها و ریکت در ناحیه مرکزی، و جلگه حاصلخیز اسکانیا در منتهی‌الیه بخش جنوبی، این سرزمین را به کشوری پر آب و پوشیده از جنگل تبدیل کرده است، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این سرزمین از مساحت کشور سوئد را جنگل فرا گرفته است.

از نظر تاریخی پس از افول قدرت وایکینگ‌ها در سده یازدهم میلادی، تاریخ سوئد پس از آن را می‌توان به دوره‌های زیر تقسیم کرد: الف - دوره پیش از سده‌های میانه ۱۲۵۰-۱۰۰۰ میلادی، ب - دوره سده‌های ۱۳۸۹-۱۲۵۰ میلادی، پ - دوره یکپارچگی ۱۵۲۰-۱۳۸۹ میلادی، ت - دوره عصر واسا ۱۶۱۱-۱۵۲۰ میلادی، ث - دوره قدرت‌ها ۱۷۱۸-۱۶۱۱ میلادی، ج - عصر آزادی ۱۷۷۲-۱۷۱۸ میلادی، چ - دوره گوستاو ۱۷۷۲-۱۸۰۹ میلادی، خ - دوره آخرین بازسازی ۱۸۶۶-۱۸۰۹ میلادی، د - دوره گسترش صنعتی ۱۹۱۸-۱۸۶۶ میلادی، ذ - عصر دموکراسی ۱۹۳۹-۱۹۱۸ میلادی، ر - دوره جنگ جهانی دوم به بعد. سوئدی‌ها مانند اهالی کشورهای نروژ، ایسلند و دانمارک

از شاخه ژرمنی اقوام هندواروپایی هستند و دارای تبار وایکینگ مربوط به سده‌های میانه می‌باشند. تاریخ باستان سوئد مانند بسیاری از موضوعات باستانی با افسانه‌ها و اسطوره‌ها آمیخته و سلاطین و حکمرانان دوره باستان سوئد همچون قهرمانان افسانه‌ای به‌شمار می‌آیند. حکمرانان باستانی مانند بسیاری از مناطق دیگر جهان ملبس به کسوت شاه-روحانی بودند و مقام پادشاهی از جانب روحانیون به وی اعطا می‌گردید. در مقابل پادشاه حافظ سنن اجتماعی و مقررات شرعیه بود. این سازمان اجتماعی ساده تا اواخر قرن یازدهم میلادی در سرزمین سوئد بر جا بود و ایالات متحدی که استقلال نسبی داشتند حول این محور که در تاریخ سوئد به مجمع همگانی تینگس (Tings) مشهور است به شیوه سنتی می‌زیستند. با توسعه مسیحیت در قرون وسطی و ورود کلیسای رسمی کاتولیک به اسکاندیناوی، در سرزمین سوئد درگیری‌های دامنه‌داری میان پیروان مذهب جدید و طرفداران آئین‌های سنتی آغاز شد که در یک مرحله منجر به ختم قدرت از اینک پادشاه وقت از مجمع تینگس توسط توده‌های خشمگین شد. در رفقه دیگری در اوائل قرن دوازدهم میلادی اسورکر به سلطنت رسید و برای کلیسا قدرتی مافوق قوانین عرفی و عقاید توده‌های مردم قائل شد که با شورش و ترور، به قتل رسید. اریک، دوازدهمین که پس از وی به سلطنت رسید بنای اصلاحات را گذاشت و سعی کرد مذهب را با مرفه و سنت جامعه آشتی دهد اما وی نیز به قتل رسید. پس از روی کار آمدن پسرش کنت اصلاحات اقتصادی آغاز شد و با اتحاد با آلمان به جرگه صنعتی شدن وارد شد. صنعتی شدن منجر به تغییر سلسله پادشاهی شد و با روی کار آمدن خاندان بیرجر بارل که از شاهان کنت بود سرزمین سوئد تدریجا به سوی تدوین قوانین نوین روی آورد. در قرن شانزدهم میلادی پادشاهی سوئد با نقض اتحاد کالمار که میان سه کشور نروژ-سوئد-دانمارک منعقد شده بود روحانیت را تحت کنترل درآورد و ضمن آنکه کلیسای کاتولیک را از قدرت مصادف نمود پادشاهی سوئد را مستقل اعلام نمود و وارد اتحاد با لوتریسم و کلیسای پروتستان شد. در این زمان به سود پروتستان‌های شمال آلمان وارد جنگ شد و با توجه به رنجیت قلمرو سوئد به موفقیت‌های پی‌درپی نظامی دست می‌یافت چنانکه موفق شد فنلاند، و قسمت‌هایی از روسیه، کشورهای حوزه بالتیک، لهستان، آلمان و نروژ را به خود ملحق نماید. سوئد پس از شکست در جنگ ۱۸۰۹ میلادی که مغلوب روسیه شد به تدریج اهالی سایر کشورها را مستقل نمود و به سیاست بیطرفی روی آورد. در سیاست‌های داخلی از قرن شانزدهم سوئد به تشکیل مجلس ملی روی آورد و در قرن شانزدهم اولین مجلس ملی در سوئد در مقابل دستگاه سلطنت تشکیل شد و دهقانان توفیق

یافتند در کنار طبقه اشراف، روحانیون، و طبقه متوسط قرار گیرند. قدرت مجلس ملی به تدریج فزونی یافت به طوری که در قرن هجدهم در مقابل دستگاه سلطنت دست بالاتری داشت، هرچند منبع این قدرت همواره در چالشی تاریخی در فراز و نشیب قرار داشت اما در یک نتیجه گیری کلی امروزه با تشریفاتی تلقی شدن مقام سلطنت، به نفع مجلس ملی که نماد قدرت توده های مردم است محاسبه می گردد.

از نظر زبانی، سوئد کشور یکدستی است و زبان سوئدی در کل کشور رایج است اما در برخی نواحی شمالی به زبان فنلاندی نیز تکلم می شود، زبان های بومی تورندال، رومانیس، بدیش و لپیش (سمی) نیز سخنور دارند و این سخنوران در تعامل با دستگاه ها، دواتی تا حد معینی می توانند از زبان های بومی به طور رسمی استفاده نمایند. زبان سوئدی شاخه ژرمنی شمالی خانواده زبان های هندواروپایی است و به زبان های نروژی و دانمارکی بهر نزدیک است به طوری که اغلب سخنوران این زبان ها می توانند با یکدیگر ارتباط زبانی داشته باشند. در طی سال های ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی شکل رشد یافته زبان سوئدی، *dönsk tunga* به عنوان زبانی مستقل رشد کرد که همان سوئدی کهن است. تنها اسناد ثبت شده از این دوران تا پس از سال ۱۲۰۰ میلادی کتیبه های رونی است که بیشتر روی مقابر یا سنگ های یادبود حک شده اند. زبان سوئدی در مقایسه با زبان دانمارکی، تفاوت بی واک های کهن *p, t, k* را حفظ نماید. بدنه اصلی گنجینه واژه های سوئدی از ذخیره اثار ژرمنی کهن است. عناصر عمده خارجی، واژه های لاتین و یونانی است که با فرهنگ مسیحیت و همچنین رشد کسب دانش وارد زبان سوئدی شدند. در دوران تاریخی بهمان ساسانیستیک که حکمرانان سوئد طی چند قرن با حکمرانان آلمان پیمان بسته بودند تعدد زبان های آلمانی و در قرون هفدهم و هجدهم نیز تعدادی از واژه های فرانسوی وارد زبان سوئدی شد. به طور کلی می توان سوئدی نوین را واجد آهنگ منحصر به فردی دانست که هم از تکیه برخوردار است و هم در زیر و بمی دارای نوسان موسیقایی است، سوئدی نوین دارای ضرباهنگ پرافت و خیزی است. در زبان سوئدی اسم ها به دو گروه مختلف تقسیم می شوند و شکل افعال در زمان های مختلف تغییر می کنند، صرف صفت ها نیز مطابق با گروه بندی اسم است. حروف اضافه در زبان سوئدی حضور فراوانی دارند و ترتیب قرار گیری کلمات در جمله دارای قاعده مشخصی است.

پژوهش‌های پارمیولوژیک مطالعه ترادف، توازی، وزن، حذف، مبالغه و ... در ضرب‌المثل‌ها و در بعضی زبان‌ها تکرار آوایی یا سایر ویژگی‌های زبانی ضرب‌المثل‌هاست. امروزه پژوهش‌های پارمیولوژیک حتی به عرصه علوم شناختی، شناخت ادیان، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهش‌های قومی و سایر مطالعات انسان‌شناختی وارد شده‌اند. هرچند بسیاری از اندیشمندان این حوزه معتقدند امثال و حکم تبارهای مختلف دارای ارزش‌های قوم‌شناختی منحصر به فرد است اما به اعتقاد والتر گروبرگ و بعضی دیگر از پارمیولوژیست‌ها، بسیاری از امثال و حکم دارای ویژگی‌های همگنی هستند و مطالعه قیاسی آنها کمک شایانی برای آشنایی با ارزش‌های نژادی اقوام مختلف است. به نظر می‌رسد بسیاری از ضرب‌المثل‌های مشترک بین زبان‌های فارسی و سوئدی از جمله ضرب‌المثل‌هایی هستند که زبان فارسی با زبان‌هایی که بر زبان سون‌ن تاثیر گذاشته‌اند در آن ضرب‌المثل‌ها اشتراک دارد. امثال و حکم این کتاب که از نوع پژوهش‌های پارمیولوژیک قیاسی شناخته می‌شود بدون توجه به لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت سوئدی در قیاس با ضرب‌المثل‌های مجموعه امثال و حکم علامه دهخدا^{۱۰} قرار گرفته‌اند. کوشش شده هر جا مطلبی از یک اثر گزیده شده نام پدیدآورنده ذکر شود و در متن مطالب اندک تصرفی به عمل آمده است.

علی اکبر عابدیان کاسگری

سوئد - مهر ۱۳۹۵

^{۱۰} در مجموعه چهار جلدی امثال و حکم علی اکبر دهخدا امثال، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات، استعارات، کلمات قصار، حکم، و پندها از نظم و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه در سال ۱۳۱۰ شمسی شامل نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم و کلمات قصار و ابیات متغییه منتشر شده است. بیشتر مجموعه را ضرب‌المثل‌های ادیبانه، کلمات قصار و اشعار و بخش کمی را ضرب‌المثل‌های عامیانه تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد شرایط جمع‌آوری امثال و حکم به گونه‌ای بود که علامه دهخدا نتوانست به رواج و تداول آنها بین عامه توجه زیادی داشته باشد. منابعی که در تنظیم مجموعه مورد استفاده علامه دهخدا قرار گرفته‌اند: ۱۰۰۰ ضرب‌المثل از امثال میلانی مربوط به سده پنجم قمری به زبان عربی، ۱۰۰ ضرب‌المثل از مجموعه مختصر امثال چاپ هندوستان، نزدیک به ۳۰۰ مثل از جامع التمثیل که در سده یازدهم قمری در هندوستان چاپ شده است، چند مثال از کتاب هندی شاهد صادق، ۴۵۰۰ بیت از شاعران کلاسیک (از جمله ۵۰۰۰ بیت از فردوسی، ۴۰۰۰ بیت از سعدی، ۲۵۰۰ بیت از مولوی، و ۲۵۰۰ بیت از نظامی و اسدی طوسی) که بیش‌تر ابیات، شکل‌های گوناگون یک ضرب‌المثل است که هر شاعری به سلیقه خود و با بیانی خاص به نظم در آورده است.